

چرا قرآن تنها اله انسان را الله می‌داند، آن هم وقتی که هر بخش وجود ما معشوقی دارد؟

Mentazer Mentazer

با وجود سایر معشوق‌های انسان، چرا تنها اله انسان الله است؟

برای پاسخ به این سؤال ابتدا نیاز داریم که به توضیح معنای «اله»^۱ در لا اله الا الله بپردازیم. به طور کلی «اله» همان چیزی است که به واسطهٔ «سنخیت» داشتن با واله خود «محبوب» واقع می‌شود. این محبوبیت باعث «خواستن» می‌شود و در نتیجهٔ این خواستن، ما رفتار و برنامه‌های مان را جهت رسیدن به محبوب خود تنظیم می‌کنیم.

نیازهای قوای پنج‌گانه ما مثل محبوب و معشوقی در جایگاه «اله» هر قوه قرار می‌گیرند، یعنی چیزی که در نظر ما آن قدر دوست‌داشتنی می‌شود و ما را طوری شیدا و واله خود می‌کند، که کنش و واکنش ما را به دست می‌گیرد. این محبت زیربنای تمام تمایلات، خواسته‌ها و شهوات انسان است و اساساً نبود میل و شهوت نسبت به خواسته‌های مراتب وجود، نشانه‌ای از وجود اخلال در نظام محبتی ما و بیماری ما در آن مرتبه محسوب می‌شود؛ انسانی که شهوت خوردن ندارد و نسبت به غذا بی‌اشتهاست، به مرور زمان دچار سوءتغذیه و ضعف جسمی می‌شود و یا کسی که برای یادگیری علم -در هیچ‌کدام از شاخه‌های آن- میل و خواهشی در خود پیدا نمی‌کند، دچار بیماری بزرگ جهل است. حالا که وجود این اله‌ها برای زندگی ما امری ضروری است، پس شعار دین اسلام یعنی «لا اله الا الله» که وجود هر الهی غیر از الله را نفی می‌کند و الله را تنها اله انسان می‌داند، چه معنایی دارد؟

در اسلام برای ما در تمام جنبه‌های زندگی مان قاعده و قانون‌هایی تنظیم شده که ما را در چهارچوبی مشخص قرار می‌دهد.^۲ اما باید متوجه باشیم که اولاً این قاعده و قانون‌ها کدام مرتبه از وجود ما را مخاطب خود قرار می‌دهد و ثانیاً این امر و نهی‌ها و محدودیت‌ها کدام بخش از وجود ما را نشانه رفته است؟

۱. اله، دانشنامهٔ اسلامی

۲. دین چیست؟

کدام بخش از وجود ما مخاطب است؟

کلاً امر و نهی کردن زمانی موضوعیت پیدا می‌کند، که مخاطب دارای اراده و اختیار باشد. می‌دانیم که انسان در هر یک از مراتب جمادی، گیاهی، حیوانی و عقلانی‌اش به ترتیب با جمادات، گیاهان، حیوانات و فرشتگان از نظر کمالات وجودی مشترک است. همین‌طور می‌دانیم که نیازهای این مراتب به صورت غریزی اداره می‌شوند. این یعنی اساساً هیچ‌کدام از مراتب جمادی، گیاهی، حیوانی و حتی عقلانی وجود ما^۳ نمی‌توانند مخاطب دین که سرشار از امر و نهی است، واقع شوند. اگر چنین چیزی امکان‌پذیر بود، برای گیاهان، حیوانات و فرشتگان هم پیامبرانی از طرف خدا می‌آمد تا آن‌ها را به سوی سعادت ابدی هدایت کند! بنابراین مخاطب دین، در همهٔ شئون و احکام آن تنها بخش فوق‌عقل یا فوق‌تجرد یا همان مرتبهٔ انسانی وجود ماست.

پیشتر گفتیم که هر مرتبه از وجود با توجه به سنخیت، محبت و میلش، برای خود معشوق و محبوبی دارد که آن را اله می‌نامیم. مرتبهٔ انسانی ما از آنجا که ماهیتش روحی خدایی است، هم‌سنخ خداست و به همین دلیل هم در ذات خود عاشق آن کمال مطلق است. در واقع هیچ‌یک از کمالات مراتب پایین‌تر وجود ما هم‌سنخ بخش انسانی‌مان نیستند، تا بتوانند در مقام و جایگاه معشوق و تنها اله انسان بنشینند. این شرافت تنها برای مرتبهٔ انسانی ما وجود دارد که خداوند تنها اله انسان و معشوق او باشد. اگر در شعار توحیدی لا اله الا الله، وجود هر الهی به جز الله نفی می‌شود، یعنی برای مرتبهٔ انسانی ما که ماهیتش نفخه‌ای الهی است، اله دیگری به جز الله اساساً امکان ظهور ندارد و بخش فوق‌عقل ما تنها با هم‌نشینی و هم‌آغوشی با الله است که به آرام و قرار می‌رسد. هر مرتبه از وجود ما معشوق و الهی مخصوص به خود دارد؛ اما باید بگوییم که تنها اله انسان و معشوق بخش انسانی ما فقط و فقط خداست و این یعنی لا اله الا الله.

تعقل و تدبیر با مرتبهٔ انسانی انجام می‌شود نه مرتبهٔ عقلانی. در این زمینه مطالعهٔ مقالهٔ «قلب/ کاربرد قلب» پیشنهاد می‌شود. ³

علت وجود سایر معشوق‌ها

اما فلسفه وجود معشوقات سایر ابعاد وجودی ما چیست؟ در حقیقت ما تا به کمالات مرتبه گیاهی، از جمله رشد جسمانی، قدرت بدنی و توانایی تولید مثل نرسیم، توان ورود به حیات حیوانی را نخواهیم داشت. از طرف دیگر اگر از حیات حیوانی برخوردار نباشیم، در محدوده زندگی نباتی متوقف می‌شویم. این یعنی برای ادامه حیات و رشد و رسیدن به کمالات هر مرتبه از وجود، یک ارتباط دوسویه بین مرتبه بالایی و مرتبه پایینی وجود دارد. برای همین محبت نسبت به لذات و نعمات را خود خدا در وجود انسان قرار داده و اتفاقاً از ما می‌خواهد که از تمام امکانات و نعمت‌های پاک و به‌دست‌آمده از راه حلال بهره‌مند شده و هر مرتبه از وجودمان را به معشوق و اله خود برسانیم.⁴

برای انسانی که به مقام انسانیت رسیده و بعد انسانی وجودش بر سایر ابعاد وجودش حکم‌فرماست، رساندن هر کدام از بخش‌های جمادی، گیاهی، حیوانی و عقلانی به اله و معشوقشان نه تنها ناپسند نیست، بلکه از آنجا که اطاعت از امر خداست، پاداش اخروی نیز دارد. چنین انسانی حدود استفاده از کمالات بخش‌های مختلف وجودش را می‌داند و از آن‌ها در جهت به قدرت رساندن و تقویت قوه فوق‌عقلش استفاده می‌کند، زیرا می‌داند، الله است که تنها اله انسان و معشوق حقیقی اوست. پس به طور خلاصه دانستیم که نفی سایر معشوقات از دایره لا اله الا الله به معنی حذف آنها نیست. بلکه از آنجا که دین بعد انسانی وجود ما را مخاطب خود می‌داند، سایر معشوق‌ها را در خدمت بعد انسانی و در ارتباط با این بخش تعریف می‌کند.

سوره اعراف، آیه 32. 4